

گوشه‌ای از تاریخ ایران

حسین خان آجودانباشی سفیر محمدشاه در وین، پاریس و لندن

دکتر ابراهیم تیموری

بخش مقدمه

انگلیس خوشبین بود در نامه‌ای به تاریخ ۷ دسامبر ۱۸۳۸ به لرد پالمرستون نوشت:

«حسین خان سفیر ایران درباره سفرش به انگلستان بار دیگر درخواستی به من داده است. به او گفتم مستر مکنیل به من اطلاع داده که شنیده است به علت بی‌احترامی که به نماینده انگلیس شده بوده، از طرف شاه ترضیه لازم به عمل آمده است و چون خود حسین خان هم این موضوع را می‌داند و گفته است که کارها به صورت رضایت بخش حل و فصل شده، بنابراین تصور نمی‌رود رادع و مانعی در راه رفتن او به انگلستان وجود داشته باشد. شنیدم که عالیجناب (حسین خان) امروز عازم وین شده است.»^{۲۸۷}

البته بعد معلوم که وضع چنین نبوده است.

حسین خان با کشتی از قسطنطنیه راهی وین پایتخت اتریش شد و وقتی به بندر «تریست» رسید، نه روز او و همراهانش ناگزیر از توقف در قریه‌ای شدند و سپس با کالسکه کنسول انگلیس به شهر رفتند و در هتلی اقامت کردند.^{۲۸۸}

مستر میل بنک (Mr. Milbanke) کاردار انگلیس در اتریش ضمن نامه‌ای به تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۸۳۹ می‌نویسد:

«حسین خان در تاریخ ۱۹ ماه جاری (ژانویه ۱۸۳۹) به تریست آمده و انتظار می‌رود در اوایل ماه آینده (فوریه) وارد وین شود. البته دستور قبلی مبنی بر نپذیرفتن او [در لندن] به وی ابلاغ خواهد شد.»^{۲۸۹}

پالمرستون در نامه‌ای به تاریخ ۸ فوریه ۱۸۳۹ به نماینده انگلیس در وین پاسخ داد:

«چون در نتیجه خودداری دولت ایران از انجام دادن وعده‌هایی که شاه قبلاً داده بود، هیأت نمایندگی انگلیس ایران را ترک گفته است، بنابراین در حال حاضر حسین خان در لندن مورد استقبال قرار نخواهد گرفت ولی اگر اصرار داشته باشد، می‌تواند بطور خصوصی مانند هر خارجی دیگر به آن شهر سفر کند.»^{۲۹۰}

ث - حسین خان در وین

اقامت حسین خان در پایتخت اتریش نزدیک به دو ماه طول

چنان که دیدیم، حسین خان آجودانباشی پس از چند ماه تأخیر در عزیمت به اروپا که ظاهراً به علت بیماری روی داده بود، با وجود مخالفت لرد پالمرستون وزیر امور خارجه انگلیس مبنی بر آنکه تا اختلافات دو کشور حل و فصل نشود او را بعنوان سفیر پادشاه ایران نخواهد پذیرفت، در رفتن به لندن و مذاکره با مقامات انگلیسی اصرار ورزید.

در اینجا به کوتاهی به کارها و مکاتبات این مأمور سخت کوش دولت ایران که از اندک سفیران فعال ایران در اروپای نیمه نخست سده نوزدهم است اشاره می‌کنیم.

سفارت حسین خان گرچه موفقیت آمیز نبود ولی با پشتکاری که او از خود نشان داد توانست باب گفتگوی مستقیم میان مقامات ایرانی و انگلیسی را بگشاید و به اختلافاتی که سالها بطول انجامیده بود (هر چند با قبول تحقیرها و توهین‌ها) پایان دهد.

هدف عمده سفارت حسین خان، رفتن به لندن و مذاکره به منظور رفع اختلافهای ایران و انگلیس بود، ولی محمدشاه نامه‌هایی نیز برای فردیناند اول امپراتور اتریش و لویی فیلیپ پادشاه فرانسه نوشته بود که حسین خان می‌بایست آنها را تسلیم کند و با تشریح و توجیه سیاست ایران، میانجیگری آنان را به منظور حل اختلافهای ایران و انگلیس بخواهد. ضمناً به حسین خان دستور داده شده بود در فرانسه یا هر جای دیگر که بتواند کارشناسانی نظامی و غیر نظامی استخدام کند و به ایران بفرستد.

ت - حسین خان در قسطنطنیه

حسین خان آجودانباشی از تبریز به قسطنطنیه (استانبول) رفت و روز ۱۵ شعبان ۱۲۵۴ (۳ نوامبر ۱۸۳۸) با استقبال میرزا جعفر خان (مشیرالذوله) سفیر ایران و بازرگانان و ایرانیان مقیم، وارد آن شهر شد.^{۲۸۶} او در طول چند هفته اقامت خود در قسطنطنیه با کمک میرزا جعفر خان گذشته از دیدار با سلطان عثمانی و دیگر مقامات آن کشور، چند بار با لرد پانسون بی (Lord J. Ponsonby) سفیر انگلیس در باعالی ملاقات و مذاکره کرد.

ظاهر آلد پانسون بی که به حل و فصل اختلافهای ایران و

او اجازه داده شود چاپاری را با نامه‌هایی برای والی هرات (کامران میرزا) تا مشهد بفرستد و مأموری از طرف کامران میرزا به مشهد بیاید و نامه‌ها را به هرات ببرد. به مکنیل اجازه داده شد و غلام چاپار سفارت عازم مشهد گردید. اما مکنیل محرمانه به چاپار مزبور دستور داده بود در مشهد توقف نکند و مستقیماً به هرات برود و پس از تسلیم نامه‌ها به کامران میرزا، با پاسخ باز گردد و شاه از این اقدام آگاه نبود. چاپار مکنیل توانست به هرات برود و نامه‌ها را تسلیم کامران میرزا کند و در بازگشت به مشهد، همراه یکی از مأموران کامران میرزا، شب هنگام در تاریکی با نگهبانان یک فوج از ارتش ایران به فرماندهی یک افسر لهستانی (بروسکی) برخورد کردند. وقتی طبق معمول از آنان خواسته شد هویت خود را آشکار کنند بی آنکه پاسخی بدهند هر دو فرار کردند و دور شدند و نگهبانان نتوانستند به آنان برسند. روز بعد با عنوان جعلی فروشنده اسب وارد اردوگاه شدند و فروش اسب‌های خود را به فرمانده فوج پیشنهاد کردند. فرمانده مزبور که فقط خریدار یک اسب بود اسب دیگر را نزد حاجی خان قرا باغی فرستاد ولی در راه، یک افسر ایرانی غلام چاپار مکنیل را شناخت. در نتیجه بازرسی‌هایی که از او به عمل آمد معلوم شد شخص همراه او از طرف کامران میرزا به ایران آمده است و نزدیک بود او را بعنوان جاسوس در همانجا اعدام کنند. نامه‌های غلام چاپار مستر مکنیل که بعضی را در پوتین هایش پنهان کرده بود مورد بازرسی قرار گرفت و وقتی معلوم شد متعلق به وزیر مختار انگلیس است آنها را صحیح و سالم به او بازگرداندند و به او اجازه دادند به سفرش ادامه دهد.

حسین خان در پایان شرحی دربارهٔ علاقهٔ ایران به دوستی با انگلستان بیان کرد و گفت:

انگلستان باید نیروی نظامی ایران را تقویت کند تا بتواند استقلال خود را در شرق حفظ نماید. افکار عمومی تقریباً در سراسر ایران طرفدار انگلستان است و عقیدهٔ عامه بر آنست که دوستی با انگلستان برای حفظ موجودیت کشور پادشاهی ایران لازم است.

به نوشتهٔ میل بنک، صبح روز بعد یک نفر انگلیسی به نام ویلیامسون (Williamson) که خود را ایزشک حسین خان خوانده، به دیدار کاردار انگلیس رفته و گفته است از طرف حسین خان آمده تا اگر در گفته‌های دیروز او ابهامی باشد توضیحاتی بدهد و مسائل را از هر جهت برای کاردار روشن کند.^{۴۹۲}

وقتی ویلیامسون از کاردار انگلیس در وین پرسید آیا امیدی به احضار مکنیل و وزیر مختار انگلیس در تهران هست که بتوان همهٔ مشکلات و مسائل را حل و فصل کرد، کاردار انگلیس در پاسخ گفت «مطلقاً نه».^{۴۹۳}

لرد پالمراستون پس از دریافت گزارش میل بنک در نامه‌ای به تاریخ ۸ مارس ۱۸۳۹ نوشت: به حسین خان اطلاع بدهید که همهٔ اظهارات او به آگاهی مقامات دولت انگلیس رسیده است اما آنها هیچ

کشید. حسین خان در این مدت توسط کاردار انگلیس در وین کوشید شاید برای رفتن به لندن یا عنوان سفیر پادشاه ایران، موافقت دولت انگلیس را جلب کند و حتی چنان که خواهیم دید مترنیخ صدر اعظم اتریش را در این زمینه واسطه قرار داد، ولی توفیقی به دست نیاورد.

از کارهای دیگر حسین خان در این مدت خشتی کردن مقالات و مطالبی بود که مکنیل در روزنامه‌های اروپا بر ضد دولت ایران منتشر می‌کرد و محمدشاه را به خلاف کاری و کشورگشایی و همکاری با روسیه بر ضد مصالح انگلیس متهم می‌نمود.

حسین خان در ایام اقامت در وین چند بار با مترنیخ صدر اعظم و فریدیناند اول امپراتور اتریش دیدار و مذاکره کرد و هدایایی به آنان تقدیم داشت. حسین خان و برخی از همراهانش در مهمانی‌هایی که از طرف مقامات اتریشی ترتیب داده می‌شد شرکت می‌کردند. این مهمانی‌ها که در آن زنان و مردان به رقص و پایکوبی می‌پرداختند برای آنان تازگی داشت. حسین خان در مدت اقامت در وین از مراکز نظامی و فرهنگی و اجتماعی اتریش نیز بازدید کرد.^{۴۹۱}

۱- دیدار و گفتگو با کاردار انگلیس

مستر میل بنک کاردار انگلیس در اتریش در گزارشی به تاریخ ۱۷ فوریهٔ ۱۸۳۹ به لرد پالمراستون وزیر امور خارجهٔ انگلیس می‌نویسد چند روز پیش حسین خان وارد وین شد. صبح روز بعد کاردار انگلیس برای آنکه دستور پالمراستون را به او اطلاع دهد به دیدار حسین خان رفت. کاردار انگلیس می‌گوید حسین خان زبان انگلیسی را بطور ناقص می‌داند ولی می‌تواند مقصود خود را بفهماند؛ و بنابراین ما توانستیم بی کمک مترجم گفتگو کنیم.

مستر میل بنک پس از آنکه دستورهای پالمراستون را به اطلاع حسین خان رساند، از او خواست از رفتن به لندن که او را در معرض توهین و تحقیر قرار می‌دهد خودداری کند.

حسین خان در پاسخ گفت او از طرف شاه و ولینعمت خود بعنوان سفارت مأمور لندن شده و وظیفه دارد به هر نحو که هست و نتیجه هر چه باشد، به لندن برود.

پس از گفتگویی در این باره، حسین خان به کاردار انگلیس گفت می‌خواهد کمی دربارهٔ امور ایران با او صحبت کند به این امید که شاید چشمان مقامات دولت انگلیس نسبت به واقعیات باز شود.

حسین خان سپس به همراهانش دستور داد از اطلاق بیرون بروند و خود با کاردار انگلیس به گفتگو پرداخت و پس از اشاره به اینکه هدف عمده از سفارت او در انگلستان کوشش برای برکناری مکنیل از مقام وزیر مختاری انگلیس در ایران است، به تشریح کارهای نادرست مکنیل که موجب تیرگی روابط دو کشور شده پرداخت و از جمله علت دستگیری غلام چاپار سفارت انگلیس را که باعث تعلیق رابطهٔ سیاسی دو کشور شده بود چنین بیان کرد:

مستر مکنیل وزیر مختار انگلیس از شاه درخواست کرده بود به

دلیلی نمی‌بینند که از تصمیم گرفته شده بر گردند و بنابراین او را نخواهند پذیرفت مگر آنکه شاه همه خواسته‌های دولت انگلیس را که توسط مستر مکنیل ابلاغ شده است بپذیرد. همچنین، به حسین خان اطلاع بدهید که همه اظهارات او درباره غلام چاپار نمایندگی انگلیس با گزارش‌هایی رسمی که مقامات دولت انگلیس دریافت داشته‌اند و در صحت آنها تردیدی نیست، یکسره مغایرت دارد. در مورد درخواست حسین خان مبنی بر فراخواندن مکنیل به او بگویید مکنیل وظایف خود را با صداقت و لیاقت در قبال پادشاه متبوع و کشور خویش انجام داده است.

پالمرستون در پایان نامه خود به کاردار انگلیس در اتریش دستور داده بود از مکاتبه و مذاکره مستقیم و غیر مستقیم با حسین خان خودداری کند.^{۴۹۴}

۲- دیدار حسین خان با امپراتور و صدراعظم اتریش

حسین خان صبح روز ۱۷ فوریه ۱۸۳۹ (۳ ذیحجه ۱۲۵۴) با همراهان خود (میرزا عبدالفتاح گرمودی، محمد رضا بیک یاور، محمد حسن خان، عبدالرحیم بیک و مسیو جبرئیل مترجم) با تشریفات معمول دربار اتریش به حضور امپراتور فردیناند اول (۱۸۳۵-۱۸۴۸) رسید و نامه محمدشاه و هدایایی را که برای او آورده بود تسلیم کرد.^{۴۹۵}

حسین خان به هنگام توقف در وین، چند بار با پرنس مترنیخ صدراعظم اتریش دیدار و گفتگو کرد و درباره اوضاع سیاسی ایران توضیحاتی داد. حسین خان تلویحاً از مترنیخ می‌خواست نزد دولت انگلیس اقدام کند تا او را رسماً بعنوان سفیر ایران در لندن بپذیرند.

میل بنک کاردار انگلیس در وین در گزارش خود ضمن اشاره به گفتگوی حسین خان و مترنیخ نوشت توصیه مترنیخ به حسین خان آن بوده که هر وقت اختلافی میان دو دولت پیش می‌آید باید متقابلاً در رفع آن کوشید. به عقیده میل بنک، مترنیخ^{۴۹۶} آمادگی داشته است در آن شرایط، منتقل کننده پیامها و وسیله رفع سوء تفاهم میان طرفین باشد.^{۴۹۷}

مترنیخ درباره گفتگوهای خود با حسین خان مموئندومی (گزارشی) به تاریخ ۲۴ فوریه ۱۸۳۹ بشرح زیر تهیه کرد و برای M. de Hummelauer سفیر اتریش در لندن فرستاد و از او خواست آنرا به لرد پالمرستون تسلیم کند:

سفیر شاه ایران در راه رفتن به لندن، به علت مشکلاتی که در مورد اجازه ورود او به انگلستان وجود دارد، در اینجا (وین) توقف کرد و به حضور امپراتور رسید و نامه شاه را به او تسلیم کرد.

این نامه فقط حاوی تعارفات معمول بود و از لحاظ سیاسی اهمیتی نداشت. حسین، در عین حال نظرات خود را درباره امور ایران و بویژه درباره اختلافات موجود میان شاه و دولت انگلیس که آنها را به نظرات شخص مستر مکنیل نسبت

می‌داد، با نهایت صداقت بیان کرد.

سفیر ایران درباره روش سیاسی شاه چنین گفت:

«شاه فرمانروای کشور است، و از این رو می‌خواهد مستقل باشد. دو دولت قدرتمند وجود دارند که ایران کمابیش با آنها در ارتباط است: روسیه و حکومت انگلیس در هند. در حالی که اولی بیشتر از دومی توانایی نظامی دارد، انگلستان پول دارتر از روسیه است. هر یک از آن دو قدرت می‌تواند موجب خیر و شر برای کشور ایران باشد و به منظور جلوگیری از شر آنها شاه می‌کوشد یا پرهیز از هر نوع بحث و مجادله، رابطه دوستانه خود را با هر دو کشور حفظ کند. هر گاه خود را از یک طرف مورد تهدید ببیند، ناچار برای جلب پشتیبانی مورد نیاز به طرف دیگر متوسل می‌شود. این وضعی نیست که شاه خواهان آن باشد، مگر آنکه به آنجا کشیده شود زیرا می‌خواهد با هر دو قدرت به گونه یکسان دوستی کند. آنچه بیش از هر چیز مورد علاقه اوست، استقلال و حسن رابطه با دولت‌های خارجی است.»

وقتی علت سردی روابط انگلیس و ایران را از حسین خان پرسیدم، بی‌درنگ پاسخ داد «این شرارت را باید به مکنیل نسبت داد.»

درباره اینکه بر نامه سفرش چیست، گفت: من به علت مشکلی که ممکن است از جهت پذیرفته نشدنم در لندن پیش آید در اینجا نخواهم ماند. «من حامل همه توضیحات لازم هستم و بنابراین وظیفه ام آنست که به آنجا بروم.»

وقتی به او گفتم اگر در لندن پذیرفته نشود شاید اروپاییان آنرا چنین تفسیر کنند که این نتیجه قطع رابطه دو کشور است، پس از کمی تأمل پاسخ داد «من نامه‌ای می‌نویسم و در همین جا منتظر پاسخ آن می‌مانم.»

سفیر (حسین خان) پرسید با چه وسیله‌ای می‌تواند نامه‌های خود را برای دولت انگلیس بفرستد. من گفتم توسط مستر میل بنک (کاردار انگلیس) یا خود من.

او درخواست کرد من فرستادن نامه‌هایش را به عهده بگیرم و گفتم «می‌ترسم نماینده انگلیس را در وضع دشواری قرار بدهم.»

بنابراین پذیرفتم و ضمناً به سفیر (حسین خان) گفتم من فقط بر عهده می‌گیرم که نامه‌های او را به مقصد برسانم.

در نتیجه او نامه مورد بحث را که به زبان فارسی نوشته شده، با ترجمه انگلیسی آن به من داد که ضمیمه است و درست بودن ترجمه را تصدیق کرد زیرا هم انگلیسی حرف می‌زند و هم می‌نویسد.

لطفاً نامه من و نامه ضمیمه آنرا به لرد پالمرستون بدهید.

حسین خان، به نظر من، مردی لایق و با استعداد است و درباره

روز ۲۲ مارس ۱۸۳۹ (۶ محرم ۱۲۵۵) مستر میل بنک کاردار انگلیس در وین به دیدار حسین خان رفت تا مقاد نامۀ لرد پالمستون را به اطلاع او برساند. به گفته کاردار انگلیس، حسین خان به علت بی نتیجه ماندن کوشش‌هایش دلتنگ و آزردۀ خاطر بوده و گفته است بسیار متأسف است که دولت انگلیس از پذیرفتن او خودداری می‌کند زیرا هر چند شاه نهایت اشتیاقی را برای دادن هر امتیازی دارد، ولی دیگر وسیله‌ای برای ارتباط و مکاتبه میان دو دربار (ایران و انگلیس) باقی نمی‌ماند.

به نظر کاردار انگلیس در وین، حسین خان خیلی مردد و سرگردان بوده و نمی‌دانسته است چه گامی باید بردارد؛ آیا به ایران برگردد یا به لندن برود؛ یا به سفر خود ادامه دهد و به پاریس برود و نامۀ محمد شاه را به پادشاه فرانسه تسلیم کند.

کاردار انگلیس پیش‌بینی می‌کند که حسین خان احتمالاً به پاریس خواهد رفت.^{۵۰۳}

ج - حسین خان در پاریس

حسین خان در اواسط آوریل ۱۸۳۹ از اتریش وارد فرانسه شد و پس از یک ماه و نیم اقامت در پاریس به لندن رفت و سپس در اواسط ژوئیه ۱۸۳۹ به پاریس بازگشت و پس از دو ماه روانۀ ایران شد.

مذاکرات و اقدامات حسین خان در سه چهار ماه اقامتش در پاریس، بیشتر درباره گسترش روابط سیاسی و بازرگانی ایران و فرانسه و استخدام چند کارشناس نظامی و فنی و خرید اسلحه بود.^{۵۰۴} گذشته از آن، حسین خان در ابتدای ورود به پاریس که همه فکر و ذکرش کسب اجازه برای رفتن به لندن بود، با سفیر انگلیس در پاریس نیز دیدار و مذاکره کرد.

۱ - گفتگوی حسین خان با مقامات فرانسوی

حسین خان و همراهانش صبح روز دوشنبه اول ماه صفر ۱۲۵۵ (۱۵ آوریل ۱۸۳۹) وارد شهرک ونسن (Vincennes) در هشت کیلومتری شرق پاریس شدند. از طرف دوک دومونت بلو (Duc de Montebello, 1801-1874) وزیر امور خارجه فرانسه مسیو ژوانین (Joseph M. Jouannin) که تقریباً سی سال پیش از آن با سمت مترجم همراه ژنرال گاردان به ایران رفته بود، بعنوان مهماندار و مترجم تعیین شد و نزد حسین خان رفت تا به او خوشامد بگوید و روز بعد با او روانۀ پاریس شود.^{۵۰۵}

همان روز ورود حسین خان به ونسن، وزیر امور خارجه فرانسه به لرد گرانویل (Lord Granville) سفیر انگلیس در پاریس اطلاع داد حسین خان که از طرف شاه ایران به سمت سفیر در دربار لندن منصوب شده و وارد ونسن گردیده و حامل نامه‌ای از شاه ایران برای پادشاه فرانسه (لویی فیلیپ ۴۸-۱۸۳۰) است. و بنابراین دولت فرانسه تصمیم گرفته است سفیر ایران را با همان تشریفات که برای سفیر عثمانی بر گزار می‌شود بپذیرد و هزینه‌های او را در مدت

اوضاع اروبادرک و فهم زیاد و دقیق دارد. او نظرات خود را خیلی خوب بیان می‌کند و اگر سالهای متمادی در میان تمدن مسیحی به سر می‌برد، بعید بود بهتر از آن می‌شد که اکنون هست. کوشیده‌ام دقیقاً همان جملاتی را که او به من گفته برای شما بنویسم؛ جملاتی که تا اندازه‌ای از لحاظ دقت و صراحت قابل ملاحظه است و هرگز به نظر نمی‌نماید که شرقی باشد.

هر چند الزام بخصوصی نیست وارد مسئله‌ای شویم که جز از حیث سیاست عمومی ارتباطی با امپراتوری ما ندارد، ولی چون همواره علاقمند به تأمین صلح میان دولت‌ها هستیم، آمادگی دارم اگر وزیر امور خارجه (انگلیس) مصلحت بدانند و نامه‌ای برای سفیر ایران بفرستند آنرا به او تسلیم کنم. مترنیک^{۴۹۸}

حسین خان در مامور اندوم^{۴۹۹} مفصل خود به تاریخ فوریه ۱۸۳۹ که توسط مترنیک برای لرد پالمستون فرستاده شد، پس از اشاره به دوستی قدیم ایران و انگلیس و علاقه زمامداران ایران به حفظ این دوستی، علت دستگیری غلام چاپار انگلیس و سپس علل لشکرکشی محمدشاه به هرات را تشریح و در پایان در مورد مأموریت خود برای تسلیت مرگ ویلیام چهارم و تبریک جلوس ملکه ویکتوریا نوشته بود:

به من اختیار و اجازه داده شده است هر اقدامی لازم باشد طبق عهدنامه‌های موجود میان دو کشور برای تأمین خواسته‌های دولت انگلیس به عمل آورم تا زمینه همکاری و هماهنگی بین دو کشور توسعه یابد. خواسته شاه آن است که مستر مکئیل احضار شود و به جای او یک وزیر مختار عاقل و دوراندیش و یک انگلیسی واقعی اعزام گردد.^{۵۰۰}

سفیر اتریش در لندن نامۀ مترنیک و ضمائم آنرا همراه نامه‌ای به تاریخ ۶ مارس ۱۸۳۹ شخصاً به دست لرد پالمستون داد.^{۵۰۱} نامۀ مترنیک و مامور اندوم حسین خان ظاهرأ در وزارت امور خارجه انگلیس مورد بررسی قرار گرفت و سرانجام پس از تقریباً یک ماه، پالمستون ضمن نامه‌ای به تاریخ چهارم آوریل ۱۸۳۹ مامور اندوم حسین خان (متن فارسی و ترجمۀ انگلیسی آن) را برای سفیر اتریش در لندن پس فرستاد. در آن نامه، پس از تشکر، خواهش شده بود مامور اندوم به حسین خان مسترد گرد و به او گفته شود همان دلایلی که موجب شده دولت انگلستان از پذیرفتن او تا تأمین خواسته‌های آن دولت از طرف شاه خودداری کند، همچنان مانع از آن است که با حسین خان در وین وارد مکاتبه شویم.

درباره مطالب مامور اندوم حسین خان، لرد پالمستون نوشته بود فقط باید گفت که از اول تا آخر آن تحریف و قلب حقایق است. در پایان نیز از اینکه به علت زیادی کارها در بازگرداندن نامه‌های حسین خان تأخیر روی داده، پوزش خواسته بود.^{۵۰۲}

اقامتش در پاریس بپردازد. آخرین سفیر ایران که در فرانسه مورد پذیرایی قرار گرفت به هنگام به تخت نشستن لویی هیجدهم (۱۷۵۵-۱۸۲۴) بود، ولی در نظر نیست آن مراسم و تشریفات درباره حسین خان اجرا شود.^{۵۰۶}

روز ۱۶ آوریل ۱۸۳۹ حسین خان و همراهان در سه کالسکه وارد پاریس شدند و به محلی که برای اقامت آنها تعیین شده بود، رفتند.

روز چهارشنبه ۱۷ آوریل برای ملاقات حسین خان با پادشاه فرانسه تعیین شده بود. در آن روز حسین خان با مسیو ژوآنین ضمن تشریفات به نزد لویی فیلیپ پادشاه فرانسه رفت و چون هدایای محمدشاه برای پادشاه فرانسه هنوز به پاریس نرسیده بود، ضمن سخنان کوتاهی نامه شاه ایران را به پادشاه فرانسه تسلیم کرد و پس از گفتگویی کوتاه و دیدار با امیر اتریس (همسر لویی فیلیپ) به محل اقامت خود بازگشت. قرار شد وقتی هدایا رسید دوباره به حضور پادشاه فرانسه برسد و آنها را تقدیم کند.

حسین خان طبق رسم معمول در همان روز با سفرای مقیم پاریس و از جمله لرد گرانویل سفیر انگلیس دیداری تشریفاتی به عمل آورد.

پس از رسیدن هدیه‌ها، حسین خان دوباره به دربار پادشاه فرانسه رفت و هدایای محمدشاه را که عبارت بود از «یک قبضه شمشیر مرصع و مکمل و شانزده طاقه شال رضائی بسیار خوب مرغوب و یک جلد شاهنامه نستعلیق خوش خط و یک جلد کلیات سعدی» برای پادشاه و «یک طاقه روی لحاف رضائی و صد مثقال عطر گل و یک زوج قالیچه هراتی و یک عدد انگشتری فیروزه اعلی و یک جعبه قاشق ایرانی برای زن پادشاه و دو طاقه شال ترمه و پنجاه عدد فیروزه و یک تخته قالیچه هراتی و قدری عطر گل بجهت همشیره پادشاه و برای دختر شاه و زن سرکار و لعیهد هم مثل تعارف همشیره شاه» به آنان تقدیم کرد.^{۵۰۷}

حسین خان و برخی از همراهانش در پاریس نیز مانند وین در مهمانیهای نهار یا شب نشینی‌هایی که به مناسبت‌های گوناگون برگزار می‌شد شرکت یا از مؤسسات فرهنگی و نظامی و غیر آن بازدید می‌کردند.

چنان که اشاره شد، حسین خان پس از آنکه در لندن نتوانست وزیر امور خارجه انگلیس را متقاعد سازد که او را رسماً بعنوان سفیر پادشاه ایران بپذیرد و نامه‌های محمدشاه را که حامل آنها بود به ویکتوریا ملکه انگلیس بدهد، دوباره به پاریس رفت و موفق شد عده‌ای نظامی و کارشناس صنایع در رشته‌های گوناگون استخدام و مقادیری اسلحه خریداری کند و به ایران بفرستد. شرح این مسائل از موضوع بحث ما خارج است و فقط به نقل گزارش کوتاهی که خود حسین خان در این باره در بازگشت از انگلیس به فرانسه به تهران فرستاده است بسنده می‌کنیم:

یکی از جاسوسان جانشین شیل کاردار انگلیس در نامه‌ای به تاریخ ۱۱ رمضان ۱۲۵۵ (۱۹ نوامبر ۱۸۳۹) نوشت حسین خان پس از آنکه مایوس و ناامید از انگلستان بازگشت در گزارشی نوشته است:

«اگر انگلیسی‌ها دوستی ما را نمی‌خواهند، ما در دولت فرانسه دوستانی خیلی بهتر یافته‌ایم که به زودی سفیر فوق‌العاده‌ای به ایران خواهند فرستاد^{۵۰۸} تا عهدنامه‌های دوستی و بازرگانی منعقد کنند.» همچنین حسین خان نوشته است دو نفر از بیک‌زاده‌ها را برای تحصیل در فرانسه باقی‌گذارده است، و دوازده نفر (کاپیتان و سرجنت) برای شاه استخدام کرده است که با هر دولتی، باستثنای فرانسه، خواهند جنگید. همچنین او سه نفر (معدنچی و نساج و تفنگ‌ساز) که مهارت زیادی در کار خود دارند و مانند آنان رادشوار بتوان در جایی پیدا کرد با خود به ایران می‌آورد. حسین خان همچنین گفته است «یک بانکدار فرانسوی به نام M. de La Fouché نود هزار تومان بی‌وثیقه و بی‌بهره به او مساعده داده تا بتواند ۳۲۰۰۰ قبضه تفنگ و ۳۰۰۰ قبضه شمشیر و ۲۰۰۰ تیانچه خریداری کند و هزینه‌های خود و افسران را بپردازد. شرایط این وام به این ترتیب است ۴۰۰۰۰ تومان در قسطنطنیه پرداخت می‌شود؛ ۳۰۰۰۰ تومان در ترابوزان و ۲۰۰۰۰ تومان در تبریز. بانکدار نامبرده درخواست کرده است یک نشان شیر و خورشید درجه ۳ به او اعطاء و به او اجازه داده شود به تجارت ابریشم و مازو بپردازد.»

برای حسین خان یک قبضه شمشیر جواهر نشان همراه نامه‌ای به این مضمون:

«ما از شما کمال رضایت را داریم، خوب کردید، روی شما سفید» فرستاده شده است.

حسین خان همچنین نوشته است: «ما برای بانکدار فرمائی فرستاده‌ایم اما چون اکنون راه‌های عثمانی ناامن است، فرستادن پول دشوار است. وقتی تفنگ‌ها به خوی برسند، پول آنرا خواهیم پرداخت.»^{۵۰۹}

حسین خان وقتی در اواخر نوامبر ۱۸۳۹ همراه نظامیان فرانسوی در بازگشت به ایران از ارزروم گذشتند، جانشین شیل کمابیش همان مطالب را در گزارشی به اطلاع بالمرستون رساند.^{۵۱۰}

۲- گفتگو و مکاتبات حسین خان با سفیر انگلیس

روز پنجشنبه ۱۸ آوریل ۱۸۳۹ لرد گرانویل سفیر انگلیس در فرانسه به بازدید حسین خان سفیر ایران رفت، ولی چون مدت این دیدار کوتاه بود فرصتی برای گفتگو دست نداد.

صبح روز بعد (۱۹ آوریل) حسین خان نامه‌ای به سفیر انگلیس نوشت و در آن پس از اظهار خشنودی از دیدارهایی که با او داشته، درخواست کرد وقتی تعیین شود تا به ملاقات او برود و توسط «جناب لرد، که لیاقت و شایستگی و دوراندیشی ایشان زبانزده‌مه»

دستگیری غلام چاپار اظهار ناخشنودی کرده‌اند. این وضع بر اثر اشتباه روی داده و اعلیحضرت بی‌اندازه آزرده خاطر و متأسف هستند و وزیر امور خارجه ایران نیز در همان زمینه نامه‌ای نوشته و در آن تمایل بادشاه متبوع خود را به پایان گرفتن اختلاف و بازگشت دوستی میان دو کشور بیان کرده است.

حسین خان در نامه خود اظهار امیدواری کرده بود که بتواند با رفتن به لندن این دو نامه را به دولت انگلیس تسلیم کند و وسیله تجدید دوستی بین دو کشور باشد.

حسین خان در پایان نامه خود اظهار داشته بود که به زودی به لندن می‌رود و تردید ندارد که لرد پالمستون نیز خواهان بازگشت دوستی میان دو کشور است.

لرد گرانویل نامه حسین خان را به پیوست نامه‌ای به تاریخ ۲۶ آوریل ۱۸۳۹ برای لرد پالمستون به لندن فرستاد و در آن یادآور شد که حسین خان این نامه را باید خطاب به لرد پالمستون می‌نوشته ولی اشتباهاً به نام لرد گرانویل نوشته است.^{۵۱۲}

پالمستون در پاسخ لرد گرانویل در نامه‌ای مختصر به تاریخ ۳۰ آوریل نوشت که به حسین خان گفته شود دلیلی نمی‌بیند که از تصمیم قبلی بازگردد و تا خواسته‌های دولت انگلیس از طرف شاه پذیرفته نشود حسین خان را بعنوان سفیر در لندن نخواهند پذیرفت.^{۵۱۵}

صبح روز ۲۸ ماه مه ۱۸۳۹ منشی مارشال سولت (Soul) نخست‌وزیر فرانسه به دیدن لرد گرانویل رفت و گفت حسین خان سفیر ایران از دولت فرانسه درخواست کرده است «گنر نامه‌ای» به او داده شود که بتواند به صورت خصوصی به انگلستان برود و نخست‌وزیر فرانسه و طیفه خود دانسته است پیش از موافقت با این درخواست، از باب رعایت ادب و نزاکت نسبت به دولت انگلیس موضوع را به آگاهی سفیر آن دولت برساند. در پاسخ، لرد گرانویل ضمن تشکر اظهار داشت که با سفر خصوصی حسین خان به انگلستان نمی‌تواند مخالفتی داشته باشد.^{۵۱۶}

چ - حسین خان در لندن

سرانجام حسین خان روز اول ژوئن ۱۸۳۹ (۱۸ ربیع الاول ۱۲۵۵) پاریس را به قصد انگلستان ترک گفت و از راه بندر کاله و دور، روز چهارم ژوئن وارد لندن شد.

مقامات انگلیسی گرچه در ظاهر همواره می‌گفتند که او را نخواهند پذیرفت و با وی گفتگو نخواهند کرد، ولی همه درها را به رویش بسته بودند. از دستورهایی پالمستون به نمایندگان انگلیس می‌توان استنباط کرد که انگلیسی‌ها گرچه باصطلاح با دست عقب می‌زده‌اند ولی با پیش می‌کشیده‌اند؛ شاید هم بیشتر از ایرانی‌ها خواهان حل و فصل اختلافات دو کشور و بازگشت سریع مأموران انگلیسی به ایران بوده‌اند، زیرا غیبت انگلیس در صحنه سیاسی ایران

عالم می‌باشد، اخباری را که به تازگی از ایران دریافت کرده است به اطلاع مقامات دولت انگلیس برساند.^{۵۱۱}

لرد گرانویل با توجه به مقاد مکتوبات لرد پالمستون و مستر میل‌بنک نماینده انگلیس در وین که رونوشت آنها برای او فرستاده شده بود، به حسین خان پاسخ داد که از مکاتبه و مذاکره درباره مسائل مورد اختلاف دو کشور با او بعنوان سفیر ایران تازمانی که با خواسته‌های دولت انگلیس موافقت نشود معذور است، مگر آنکه خبرهایی که اخیراً از ایران دریافت کرده است گویای آن باشد که مشکلات موجود در راه پذیرفتن او در برابر ملکه انگلستان از میان برداشته شده است.

لرد گرانویل ضمناً در نامه خود به حسین خان اطلاع داده بود هر وقت بخواهد می‌تواند به دیدار او برود.^{۵۱۲}

لرد گرانویل در گزارشی به تاریخ ۲۲ آوریل ۱۸۳۹ از پاریس به پالمستون وزیر امور خارجه انگلیس نوشت:

روز شنبه ۲۰ آوریل حسین خان ضمن نامه‌ای درخواست کرد به دیدن من بیاید. در نامه قبلی به او اعلام کرده بودم که درباره مسائل مورد اختلاف میان ایران و انگلیس وارد گفتگو نخواهم شد و امروز (۲۲ آوریل / دوشنبه ۷ صفر ۱۲۵۵) را برای پذیرایی از او تعیین کرده بودم. در این دیدار، حسین خان پس از تعارفات معمول و اظهار تأسف از اینکه به علت سردی روابط یا سوء تفاهمات ایجاد شده بین دو کشور، که سالهای دراز با یکدیگر دوستی داشته‌اند، گفت اخیراً نامه‌هایی از ایران دریافت کرده است که می‌خواهد مضمون آنها را به اطلاع دولت انگلیس برساند و در میان آنها نامه‌ای از شاه خطاب به ملکه انگلستان و یک نامه از طرف وزیر شاه به وزیر امور خارجه انگلیس است.

حسین خان افزود درباره دو نکته‌ای که موجب شکایت مستر مکنیل از دولت ایران شده بود، رسیدن این نامه‌ها مایه خوشنودی بسیار و امیدواری است.

بار دیگر به حسین خان یادآور شدم که نمی‌تواند درباره این مسائل با من گفتگو کند و افزودم فقط می‌توانم بر عهده بگیرم چنانچه نامه‌ای به وزیر امور خارجه انگلیس بنویسد، آن را با کوریه‌های سفارت که روزهای دوشنبه و جمعه به لندن می‌روند، بفرستم.^{۵۱۳} حسین خان روز ۲۵ آوریل ۱۸۳۹ نامه‌ای را که همان روز نوشته بود برای لرد گرانویل فرستاد.

در این نامه پس از اشاره به اینکه در همه جا سفیران انگلیس به او گفته‌اند تا مسائل مورد اختلاف حل و فصل نشود او را بعنوان سفیر نخواهند پذیرفت و موضوع مورد اختلاف دو دولت عبارت است از دستگیری غلام چاپار مستر مکنیل و لشکر کشی دولت ایران به هرات، نوشت: پس از رسیدن به پاریس نامه‌هایی حاوی دستورهایی تازه از تهران دریافت کرده‌ام. در میان آنها نامه‌ای خطاب به علیاحضرت ملکه انگلستان است که در آن اعلیحضرت شاه از

موجب می‌شد که روس‌ها هر چه بیشتر دامنه نفوذ خود را در این کشور گسترش دهند. از همین رو وقتی حسین خان در کشورهای سر راه به نمایندگان انگلیس مراجعه می‌کرد و برای کسب اجازه سفر به انگلستان اصرار می‌ورزید تلویحاً یا تصریحاً به او گفته می‌شد که بطور خصوصی می‌تواند به لندن برود و حتی نامه‌های او را بی‌پاسخ نمی‌گذاشتند. به همین جهت پنج شش ماه پیش از ورود حسین خان به لندن، وزارت امور خارجه انگلیس جیمز بیللی فریزر (James Baillie Fraser) را که زبان فارسی را خوب می‌دانست و سفرهای متعدد به ایران کرده بود و به اوضاع و احوال این کشور آشنایی کامل داشت برای مهمانداری حسین خان در نظر گرفته و روزی سه گینی (سه پوند و سه شلینگ) برای هزینه‌های او تعیین کرده بودند^{۵۱۷} تا اگر حسین خان وارد لندن شود جیمز فریزر نیز از ایرلند به لندن برود و به گونه غیر رسمی مهماندار او باشد.^{۵۱۸}

همچنین وقتی حسین خان وارد لندن شد بیشتر کسانی که قبلاً در ایران مأموریت داشتند از جمله سرگور اوزلی، هنری ویلاک، جان کمبل و سر هنری بی‌تون (لینزی) همه به دیدن او رفتند^{۵۱۹} و هر يك به گونه‌ای او را راهنمایی کردند که نمی‌توانست بدون اطلاع وزارت امور خارجه انگلیس باشد.

به هر حال حسین خان دو سه روز پس از ورود به لندن در هفتم ژوئن ۱۸۳۹ نامه‌ای به لرد پالمستون نوشت که خلاصه آن چنین است:

من از طرف شاه ایران به سمت سفیر در دربار لندن تعیین شده‌ام. در طول راه سفیران انگلیس به دستور جنابعالی از من می‌خواستند چون سفارت من مورد قبول نیست از آمدن به لندن خودداری کنم. وقتی علت را می‌پرسیدم، در پاسخ گفته می‌شد مربوط به مسئله غلام چاپار و دیگر مسائل است. ناچار دستورهای جنابعالی و اظهارات سفیران انگلیس را به آگاهی دولت متبوع خود رساندم و پرسیدم در این صورت باید به ایران بازگردم یا به سفر خود ادامه دهم. پس از آنکه به پاریس رسیدم دستوری از دولت متبوعم رسید که به لندن بروم و نامه اعلیحضرت شاه ایران به علیاحضرت ملکه انگلستان و همچنین نامه‌ای که اخیراً دریافت کرده‌ام و در آن از جهت رویداد مربوط به غلام چاپار معذرت خواهی شده و نامه‌های دیگری را که طبق آنها می‌توان همه مسائل را به گونه رضایتبخش حل و فصل کرد به مقامات دولت انگلیس تسلیم نمایم.

پس از دریافت این دستور، اگر در انجام دادن آن غفلت می‌کردم در برابر دولت خود مقصر شناخته می‌شدم و جان و مالم در معرض خطر قرار می‌گرفت. بدین علت خدمتگزاران و بارهای سنگین خود را در پاریس گذاشتم و خود به صورت خصوصی به لندن آمدم. یقین دارم وقتی جنابعالی این نامه‌ها را قرائت کنند، ملاحظه خواهند فرمود که هر نوع ترضیه که دولت انگلیس خواسته باشد به عمل خواهد آمد و دوستی دو کشور که تاکنون وجود داشته استواری و

افزایش خواهد یافت. از آنجا که مترجمی همراه ندارم استدعا می‌کنم لطف فرموده دستور دهند کسی که با زبان فارسی آشنایی داشته باشد نامه‌هایی را که با خود دارم ترجمه کند و به نظر آن جناب برساند. چون این نامه‌ها نسخه اصلی است، طبق دستور دولت متبوعم نمی‌توانم آنها را در اختیار دیگران بگذارم.

چنانچه این نامه‌ها رضایت جنابعالی و دولت انگلیس را فراهم کند، امیدوارم مرا طبق مقام رسمی که دارم بپذیرند و اگر خدای ناکرده مورد رضایت قرار نگیرد و نتواند نظرات و احساسات ناخوشایند میان دو کشور را برطرف سازد ناچار باید هر چه زودتر به کشورم بازگردم. محل امضاء حسین خان.^{۵۲۰}

روز بعد پالمستون در نامه‌ای به حسین خان اعلام کرد که به زودی شخص مورد اعتمادی را خواهد فرستاد تا رونوشتی از نامه‌های مورد نظر تهیه کند.^{۵۲۱}

وزیر امور خارجه انگلیس روز دهم ژوئن نامه دیگری به حسین خان نوشت و اطلاع داد که از میرزا ابراهیم معلم علوم شرقی در کالج هند شرقی در هر تفورت که از هر جهت مورد اعتماد است خواسته شده به ملاقات حسین خان برود و رونوشتی از اصل نامه‌ها تهیه و آنها را ترجمه کند.

میرزا ابراهیم می‌بایست اطمینان حاصل کند نامه‌هایی که حسین خان برای رونویسی و ترجمه به او می‌دهد اصل است و از دیگر نامه‌ها و نوشته‌هایی که توسط حسین خان تهیه شده و فاقد مهر و امضای شاه یا وزیران اوست مطلقاً چشم‌پوشد.^{۵۲۲}

حسین خان در نامه‌ای تشکر آمیز به تاریخ ۱۱ ژوئن ۱۸۳۹ به لرد پالمستون نوشت:

امروز اجازه دادم میرزا از اصل دو نامه اعلیحضرت شاه به علیاحضرت ملکه انگلستان و همچنین نامه میرزا مسعود به جنابعالی رونوشت تهیه کند. میرزا ابراهیم همچنان که از اعتماد شما برخوردار است من هم به او کاملاً اعتماد دارم و به همین علت خیلی از نامه‌های محرمانه‌ای را که با خود از ایران آورده‌ام و نامه‌های دیگری را که از دولت متبوع خود دریافت داشته‌ام پیش او گذاشتم تا رونویسی کند و چنانچه لازم باشد، خلاصه مطالب آنها را به استحضار جنابعالی برساند. همچنین نامه‌های مهم دیگری با خود دارم که به دستور دولت متبوعم فقط باید به شخص جنابعالی تسلیم کنم.

بنابر این اگر تمایلی باشد که این نامه‌ها در اختیار جنابعالی قرار گیرد موجب نهایت خوشنودی خواهد بود که در فرصتی مناسب با ترجمانی میرزا ابراهیم به دیدار جنابعالی بشتابم.^{۵۲۳}

سرانجام لرد پالمستون از حسین خان دعوت کرد که روز چهارشنبه ۱۹ ژوئن (۳ ربیع‌الآخر ۱۲۵۵) به دفتر کار او در Stan-hope Street در لندن برود.^{۵۲۴}

حسین خان نزد پالمستون رفت و به نوشته میرزا عبدالفتاح

ارزانی فرمودند تا در آن مواد گفتگوئی رود اگر چه بنده با کمال امید داخل دولتخانه سرکار شدم لکن بغایت متأسفم که بعد از چهار ساعت گفتگو از طرفین بالاخره ناچار و با نهایت یأس آن رخصت حاصل نموده از خدمت مراجعت کردم چه از تقریرات سرکار نه همین واضح شد و بس که ملفوفه که حضرت شهریاری در کمال اطمینان و از غایت صدق نیت بجهة رفع شبهه و تقار بملکه انگلستان نوشته بودند در آن باب کافی نمیدانستید، بلکه جناب سرکار را نیز چندان میلی ندیدم که در مقابل آن فقرات چنانچه بایست بجواب من گوشی دهند یا در آنها تأملی فرمایند. اهالی انگلستان خاصه امانا و اعیان این مملکت در عالم بعدالت و انصاف معروف اند و این بر حیرت من افزود که سرکار ملازمان در میانه مدعی و گواه امتیاز چندان نمیفرمودند. با وجود اینکه این معنی از لوازم قوانین عدالت است از دولت ایران از چندین راه شکایت فرمودند، اما ثبوت آن فقرات را خود بشهادت و نوشته همان اشخاص که منشاء آن شکایات و در حقیقت مدعی ما بودند و میگذاشتند و از آنطرف چون بنده از جانب دولت خود در رد آن فقرات جوابی عرض میکردم، سرکار ملازمان را در اصغای آن تأملی نمیرفت یا آنکه اقاویل همان اشخاص را که در معنی خود منشاء فساد و اخلال شده بودند بر اثبات قول و فعل خودشان مکرر میفرمودند، دولت ایران را نیز از اطوار و افعال گماشتگان دولت انگلیس شکایات چند داشتند و حضرت شهریاری ابدأ اعتقاد نفرموده بودند که آن اطوار ناشایسته بصوابدید و استرضای امنای این دولت از ایشان صادر شده بود و کمال اطمینان داشتند که چون آن فقرات بسمع اولیای این دولت برسد امنای دولت بیهیه از آن اشخاص در آن مواد مواخذه خواستن فرمود اما چون بنده در خدمت شهریاری چنانکه بر من لازم است عرض کنم که از قرار تقریرات صریحه سرکار شما امنای این دولت نه همین بآن امور و اطوار راضی بودند و بس بلکه آن حرکات بعینه موافق فرمایش و دستور العمل امنای این دولت از ایشان بظهور پیوسته حتی آنکه پیاداش آن خدمات بعضی از ایشان ازین دولت بمناسب و مفاخر عالیه سرفراز شدند اینمعنی بر حیرت خاطر شهریاری خواهدافزود بلکه بکلی از دوستی و اتحاد این دولت مایوس خواهند گردید، سرکار ملازمان از جانب دولت خود از چند راه از دولت ایران شکایت میداشتند اما در بین محاوره چون جواب و سئوالی از آن مقال میرفت بالاخره خود اذعان فرمودند که اکثری از آنها من جمله حکایت خانه مستر استادرت و تنخواه سرهنری بیتون و تنمه موجب معلمان انگلیس و غیره همه از جزئیات و رفع آنها بآسانی تواند شد و بلکه مایه تقار و رنجش دولتین از یکدیگر نمیتوانستند شد اما

گرمرودی، چهار ساعت با او گفتگو کرد و سرانجام پاسخ شنید که هر چه مستر مکنیل وزیر مختار انگلیس گفته و کرده، همه به دستور دولت انگلیس بوده است. ۵۲۵

جیمز فریزر سابق الذکر متن این مذاکرات طولانی که بیشتر تکرار مطالب گذشته بود تهیه کرده است که فشرده آن در زیر نقل می شود.

در این نشست که داستان گریگ و میش را به یاد می آورد، پالمستون به علل شکایت دولت انگلیس اشاره کرد و گفت:

نامه شاه ایران را که حسین خان با خود به انگلستان آورده است، تا زمانی که گفتار با عمل مغایرت داشته باشد نمی توان به ملکه تسلیم کرد. ۵۲۶

دو روز پس از این نشست، حسین خان به منظور توجیه و توضیح بیشتر مطالبی که میان او و پالمستون مطرح شده بود نامه ای به وزیر امور خارجه انگلیس نوشت که توسط میرزا ابراهیم به انگلیسی ترجمه و ارسال شد.

اصل این نامه که نمونه ای از نامه های سیاسی یکی از سفیران ایران در اروپا در نیمه نخست سده نوزدهم است در اینجا گراور و متن آن نیز برای سهولت خواندن در زیر نقل می شود.

عبدالفتاح گرمرودی متن این نامه را با تغییراتی در القاب و عناوین و اندکی دستکاری در جملات آن، در کتاب خود آورده است. ۵۲۷

هو

مخلوما مطاعا

مقصود اصلی و مطلوب کلی از سفارت من باین دولت دو امر خطیر بود، یکی آنکه چون بعضی حوادث اتفاقیه درین تازگیها ظاهرأ منشاء تقار و رنجش خاطر امنای این دولت از دولت ایران شده بودند از در دوستی در آمده رفع شبهه و تقار از مابین دولتین نمایم تا مبانی اتحاد قدیمه را تأکید جدید حاصل آید، و دیگری آنکه برخی امور معظمه را که از ضروریات مملکت داری و عمده و متعلق بهر دو دولت میبودند نیز باسنظهار و استصواب آنجناب فیصل داده قرار محکم و عهد و میثاق مستحکم هم در آن ابواب ثابت و قایم گردانیم. اما دریاب فقره اول حصول آنمطلب بدو طور میتوانست شد و بس یکی آنکه امنای این دولت ملفوفه حضرت شهریاری را با نوشته جدید وزیر امور خارجه دولت ایران دریاب رفع شبهه و تقار کافی دانسته زیاد بتفصیل مامضی نبردازند و بکلی از گذشته فراموش کنند و یا آنکه چون تابحال کیفیات و تفصیل آن وقایع را تنها از یکطرف بغیر از کسان و متعلقان دولت خود شنیده بودند و بس در مقابل نیز چنانکه مقتضی انصاف بود بشنوند که ما هم در آن ابواب چه داریم و در جواب آن اخبار چه توانیم گفت. اما در روز چهارشنبه نوزدهم جون که فیض ملاقات

اگر همین يك معنی را تنها ثابت بتوانید فرمود من یکدفعه از جانب دولت خود تسلیم میکنم که سایر فقرات هم راست اند و حق با شماست و ثبوت این معنی در صورت صدق از برای شما بسیار آسان است بفرمایند که و کدام کس بغیر از اجزای سفارت روسیه که مطلقاً بدولت ایران مدخلیتی نتوانستند داشت از معلمین روسیه در کدام فوج شاه مشغول خدمت بوده اند یا هستند و حال آنکه بنده از جانب دولت خود انکار مینمایم که ابدأ احدی از معلمان روسیه در افواج پادشاهی نبوده اند بتخصیص در وقت محاصره هرات و حال آنکه خود امنای این دولت مقراند بر اینکه موبک شاهی محض خاطر و خواهش امنای این دولت دست از محاصره هرات کشیده مراجعت و این معنی را نیز موافق فرامین همیون بر قاطبه اهالی ایران واضح فرمودند. در خاتمه عرض میشود که مخلص را اگر چه ممکن نشد که موافق دستور العمل شاهی التیامی چنانکه منظور نظر و تمنای خاطر مهر پرور شهریاری بود در میان دولتین داده تا دوستی قدیم را تاکید جدید حاصل آید اما باز از شما کمال امتنان دارم که تابحال مرا اینقدر فرصت داده اید که خدمت خود را تا اینجا بعمل آورده بیان واقع و میل خالص خاطر شهریاری را بدوستی با دولت انگلستان با امنای این دولت اظهار کنم ملتسم اینکه محبت خود را تمام فرموده جواب این معروضه را نیز بهر قسمی که صلاح دانند بزودی لطف فرمایند تا از خدمت مرخص گردم چه زیاده زحمت دادن من در صورتی که کاری از پیش نرود درین ملك بیحاصل خواهد بود.

تحریر آفی ۲۱ جون مطابق پنجم شهر ربیع الآخر سند ۱۲۵۵
محل سجع مهر «لااله الاالله الملك الحق المبین عبده محمد
حسین»^{۵۲۸}

این نامه را میرزا ابراهیم به انگلیسی ترجمه کرد و روز ۲۷ ژوئن ۱۸۳۹ برای پالمستون فرستاد.

پس از آن حسین خان چند روزی را به دینوبازدید با چند نفری که گمان می برد می توانند راهگشا باشند گذراند و بار دیگر نامه کوتاهی درباره کارهای ناصواب مکتبل و از جمله نوشتن نامه به سید محمد باقر شفتی و دیگر علما به پالمستون نوشت و چون پاسخی دریافت نکرد به پالمستون اطلاع داد که قصد دلرد روز ۸ ژوئیه ۱۸۳۹ لندن را ترك کند و به فرانسه باز گردد. در همان روز میرزا ابراهیم نزد حسین خان رفت و از طرف وزیر امور خارجه انگلیس از او خواست چند روزی سفر خود را به تأخیر اندازد تا پاسخ نامه های او داده شود.^{۵۲۹}

سرانجام روز ۱۱ ژوئیه لرد پالمستون وزیر امور خارجه انگلیس ممو راندم مفصلی در پاسخ به نامه حسین خان و خواسته های دولت انگلیس از ایران برای تخلیه جزیره خارك و اعاده رابطه عادی

اعیان دولت را مکرر بدلجوئی مستر مکتبل فرستادند که شاید ازین مرحله فراموش کند چون سر کار ملازمان فرمودند که ملفوفه شاهی در دلجوئی اینمطلب کفایت نمیکند بر بنده لازم شد که حقیقت امر را موافق بیان واقع در هر باب بیان ساخته شاید بآن تقریب رفع نفاخاطر امنای این دولت کرده خدمت مرجوعه خود را بعمل آورده باشد. اما آن معنی موقوف بر اینکه از طرفین آنچه واقعاً اتفاق افتاده بود تکرار کنیم و بغور و کنه مطلب رسیده به بینیم که در اصل واقع تقصیر از کدام سمت بوده است. در اینکه آن چاپار از هرات برمی گشته است موافق تقریر خودش شکی نیست و از آنطرف هم مستر مکتبل علانیه میگوید که او را تا مشهد پیشتر فرستاده بوده پس ازین دو فقره واضح است که آن چاپار در وقتی که قراولین آورد او را معطل کرده بودند چاپار و فرستاده مستر مکتبل نبوده است درینصورت ایلچی مزبور یا امنای دولت انگلیس را از نگاه داشتن او چه جای شکایت تواند بود و بعلاوه خود آنشخص هم اگر چه اولاً بقراولان کیفیت حال خود را بدرستی بیان نکرده بود اما بالاخره از قراریکه تقریر او را خود بسمت طبع در آورده اید بعد از آنکه از او مکرر پرسیده بودند که تو کیستی و بکجا میروی و از کجا می آئی چنین جواب داده بود که من چاپار ایلچی انگلیس بودم و او مرا تا مشهد فرستاده بود، اما در مشهد شنیدم که صاحب انگلیس در هرات بیمار است و من سر خود بیدیدن و احوال پرسی اورفته بودم و از آنجا مراجعت مینمایم و با اینهمه اگر آنشخص ایرانی که در حقیقت از رعایای دولت ایران بود در آنوقت نوشته یا پاس بردی از مستر مکتبل هم در دست میداشت بلاشک بیاس خاطر اولیای این دولت کسی مزاحم او نمی گردید.

اما درباب حرکت موبک شاهی بسمت هرات اولاً گر چه امنای این دولت از روی انصاف اذعان دارند که این امر منافی شروط عهدنامه و مناقص فصول شرط نامه دوستی مابین دولتین نیست اما چنان تقریر فرمودند که چون بر امنای این دولت معلوم شده است که جنگ هرات باغواوی دولت روس و اخراجات آن از جانب امنای آندولت بسر کار شاهی کارسازی شده و معلمان روس بتنظیم افواج شاهی مشغول و مامور بودند بر ما لازم شد بجهت محافظت سرحدات ممالک شرقیه خود شاه را از آن اراده بر گردانیم. در جواب این فقره بنده عرض کردم که اولاً اثبات این معنی از کجا شده است و دلیل بر اینکه دولت روسیه دولت ایران را بر افغانستان بر آغالا بنده است کدام است و حال آنکه شما بغیر از گفته و نوشته گماشتگان خود درین باب مستند دیگر ندارید و موافق انصاف این تنها دلیل بر صدق شما و کذب ما نمیتواند شد و دیگر اینکه فرمودید که معلمان روسیه بتعلیم افواج شاهی مشغولند و بوده اند. مخلص باز عرض میکنم که

میان دو کشور ارسال داشت و قرار شد حسین خان روز ۱۳ ژوئیه ساعت ۱۲ برای گفتگوی نهایی به دفتر وزیر امور خارجه انگلیس برود.
(دنباله دارد)

یادداشت‌ها

G.H. Hunt. op. cit. p. 123-129.

۵۰۴. در این باره مراجعه فرمایید به عباس اقبالی آشتیانی، میرزا تقی خان امیر کبیر، به کوشش ایرج افشار، ص ۲۶۶.

۵۰۵. شرح مأموریت آجودانباشی، ص ۳۳۸.

۵۰۶. نامه مورخ ۱۵ آوریل گرانویل به پالمستون، نامه‌های پارلمانی مربوط به ایران در سال ۱۸۴۱، ص ۳۲.

۵۰۷. شرح مأموریت آجودانباشی، ص ۳۴۳.

۵۰۸. این سفیر کنت دوسرسی بود که کمی پس از بازگشت حسین خان، به ایران آمد. (زائویه ۱۸۴۰) به سفر نامه او با عنوان «ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰»، ترجمه دکتر احسان اشراقی مراجعه فرمایید.

۵۰۹. ضمیمه نامه مورخ ۱۰ دسامبر ۱۸۳۹ شیل از لوزروم به پالمستون F.O. 60/67

۵۱۰. گزارش شماره ۸۲ مورخ ۲۸ نوامبر ۱۸۳۹ شیل به پالمستون F.O. 60/67

۵۱۱. نامه‌های پارلمانی مربوط به ایران در سال ۱۸۴۱، ص ۳۳.

۵۱۲. نامه‌های ۱۹ آوریل ۱۸۳۹ گرانویل به پالمستون و حسین خان، همان، ص ۳۳.

۵۱۳. همان، ص ۳۴.

۵۱۴. همان، ص ۳۵.

۵۱۵. همان، ص ۳۶.

۵۱۶. نامه مورخ ۲۸ ماه مه ۱۸۳۹ گرانویل به پالمستون، نامه‌های پارلمانی مربوط به ایران - سال ۱۸۴۱، ص ۳۷.

۵۱۷. جیمز فریزر سه سال پیش از آن یعنی در سال ۱۸۳۶ نیز مدتی مهماندار سه نفر از پسران حسینعلی میرزا فرمانفرما (رضاقلی میرزا و تیمور میرزا و نجفقلی میرزا) بود که پس از مرگ فتحعلی شاه و دستگیری پدرشان به اتهام مخالفت با سلطنت محمدشاه، به لندن و سپس به عتبات رفتند.

۵۱۸. نامه‌های مورخ ۲۱ ژانویه وزارت امور خارجه انگلیس F.O. 60/68

۵۱۹. شرح مأموریت آجودانباشی، ص ۳۷۷.

۵۲۰. همان، ص ۳۷.

۵۲۱. همان، ص ۳۸.

۵۲۲. همان، ص ۳۹.

۵۲۳. همان، ص ۴۰.

۵۲۴. همان.

۵۲۵. همان، ص ۴۰۳.

۵۲۶. برای اطلاع از متن انگلیسی این صورت جلسه، به مکاتبات مربوط به ایران که در سال ۱۸۴۱ برای ارائه به پارلمان انگلیس تهیه شده است (صفحات ۴۰ تا ۴۸) مراجعه فرمایید.

۵۲۷. شرح مأموریت آجودانباشی، ص ۴۰۷؛ ترجمه انگلیسی در مجموعه نامه‌های مربوط به ایران که در سال ۱۸۴۱ برای ارائه به پارلمان انگلیس تهیه شده است، صفحات ۴۸ تا ۵۱.

528. F.O. 60/68.

۵۲۹. شرح مأموریت آجودانباشی، ص ۴۱۵.

۴۸۶. شرح مأموریت آجودانباشی، ص ۲۵۱.

۴۸۷. مکاتبات مربوط به ایران، مجموعه نامه‌های پارلمانی سال ۱۸۴۱ در لندن، ص ۱۹ G.H. Hunt. OP. CIT. p. 123

۴۸۸. شرح مأموریت آجودانباشی، ص ۲۹۷.

۴۸۹. مجموعه نامه‌های پارلمانی، ص ۲۰.

۴۹۰. همان، ص ۲۰.

۴۹۱. برای اطلاع بیشتر در این موارد به شرح مأموریت آجودانباشی صفحات ۳۰۷ تا ۳۳۵ مراجعه شود.

۴۹۲. ظاهر آین ویلیامسون همان طیب یا حکیم انگلیسی است که معالجات درد پای حسین خان بوده و حسین خان در استانبول اورا راضی کرده بوده است تا با همسر و کنیزش همسفر هیأت ایرانی باشد. به گفته میرزا عبدالفتاح گرمودی نویسنده شرح مأموریت آجودانباشی، در میان راه و در کشتی و هنگام توقف در قرقظینه جزیره پیره (Piri) «که اول خالک یونان زمین است مسیو جبرئیل ترجمان اول که در زبان فرانسه تسلط داشت و جوانک خوش سیمانی بود بازن حکیم و ترجمان دوم با کنیزک ساختند و آنها را فریفتند و با آنها در آمیختند.» (شرح مأموریت آجودانباشی، صفحات ۲۷۷ و ۲۸۲)

۴۹۳. گزارش مورخ ۱۷ فوریه ۱۸۳۹ میل بنک از وین به پالمستون. مجموعه نامه‌های پارلمانی سال ۱۸۴۱، ص ۲۰ و پس از آن.

۴۹۴. همان، ص ۲۳.

۴۹۵. گزارش مورخ ۱۷ فوریه میل بنک به پالمستون، همان، ص ۲۰؛ شرح مأموریت آجودانباشی، ص ۳۱۷.

۴۹۶. مترنیک (Clemens W.N.L. Metternich, 1773-1859)

سیاستمدار معروف اتریشی، طرفدار استبداد پادشاهان و مخالف آزادیخواهان، وزیر امور خارجه و صدراعظم اتریش از ۱۸۰۹ تا ۱۸۴۸ که مجبور شد از ترس انقلابیون به انگلستان برود. مترنیک از ۱۸۱۵ تا ۱۸۴۸ به اندازه‌ای در سیاست‌های اروپایی نفوذ داشت که بعضی آن دوره را عصر مترنیک نامیده‌اند. مترنیک که ملعون آزادیخواهان بود در نتیجه انقلاب سال ۱۸۴۸ ناچار به انگلستان رفت ولی در سال ۱۸۵۱ به اتریش بازگشت و در سال ۱۸۵۹ درگذشت.

۴۹۷. گزارش ۱۷ فوریه ۱۸۳۹ میل بنک به پالمستون.

۴۹۸. همان، صص ۲۴ و ۲۵.

۴۹۹. ممبراندوم (memorandum) به معنی یادداشت، گزارش، تذکاره و امثال آن است. در مکاتبات حسین خان آنرا به «تذکره» ترجمه کرده بودند.

۵۰۰. همان، ص ۲۶.

۵۰۱. همان، ص ۲۴.

۵۰۲. همان، ص ۲۹.

۵۰۳. نامه مورخ ۲۳ مارس ۱۸۳۹ میل بنک به پالمستون، همان، ص ۳۱.

۶. محمد خضری، (۱۳۸۰)، «دلایل و پیامدهای اقتصادی فرار مغزها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، زمستان، ص ۵۶۸.

7. Miyagiwa (1991) "Scale Economies In Education and the Brain Drain Problem", *International Economic Review*, Vol 32, No 3, pp 743-759.

8. *Ibid.*, p. 745.

۹. شهرام محبی، (۱۳۸۰)، «بررسی پدیده فرار سرمایه (فیزیکی و انسانی)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ص ۵۲.

۱۰. محمد فولادی پیشین، ص ۹۲.

۱۱. همان.

12. W.J. Carrington & E. Detragiache, (1998), "How Big Is Brain Drain?", *IMF Working paper*, No 102, pp 15-16.

۱۳. این رقم از سایت اینترنتی زیر استخراج شده است: www.infozee.com/indiatimes/index.htm

14. W.J. Carrington & E. Detragiache (1999) "How Extensive Is the Brain Drain" *Finance & Development*, June 1999, Vol 36, No2

15. W.J. Carrington & E. Detragiache (1999).

۱۶. رضا خلیلی (۱۳۸۰)، «مهاجرت نخبگان در عصر اطلاعات؛ بازاندیشی در فرصتها، تهدیدها و راهکارها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴، زمستان، ص ۵۸۱.

۱۷. علی آبادی، «فرار مغزها در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، زمستان ۱۳۸۰، ص ۵۹۶.

۱۸. همان، ص ۵۹۷.

۱۹. «مصاحبه با مشاوران سازمان فرهنگی و ارتباطات»، جام جم، ۸۰/۱۰/۱۵.

۲۰. علی آبادی، پیشین، ص ۵۹۸.

۲۱. رضا شریعت (۱۳۸۰)، «فرار مغزها» کار و جامعه، شماره ۴۲، ص ۴۸.

۲۲. همان، ص ۴۹.

۲۳. همان، ص ۴۹.

۲۴. انتخاب، ۸۰/۲/۱۲.

۲۵. محمد فولادی، پیشین، ص ۹۲.

۲۶. شریعت، پیشین، ص ۵۰.

۲۷. بنا به گزارش مؤسسه فناوری اطلاعات ایالات متحده در سال ۲۰۰۳، این کشور به تنهایی به بیش از ۱۶۰۰۰۰۰ نفر متخصص فناوری اطلاعات نیاز خواهد داشت که به علت کمبود نیروی کار ماهر، احتمالاً فقط نیمی از این مشاغل توسط نیروی داخلی تأمین می شود. شریعت،

همان، ص ۵۲.

منابع و مآخذ

۱. حسنی، رضا علی، (۱۳۸۱)، «پدیده مهاجرت و فرار مغزها»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۷۶-۱۷۵.

فروردین و اردیبهشت، صص ۱۲۵-۱۲۰.

۲. خضری، محمد، (۱۳۸۰)، «دلایل و پیامدهای اقتصادی فرار مغزها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، زمستان، صص ۵۶۵-۵۷۷.

۳. روزنامه انتخاب، ۸۰/۲/۱۲.

۴. روزنامه جام جم، ۸۰/۱۰/۱۵.

۵. شریعت، رضا (۱۳۸۰)، «فرار مغزها» کار و جامعه، شماره ۴۲، صص ۴۸-۴۸.

۶. علی آبادی، علی، (۱۳۸۰)، «فرار مغزها در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، زمستان، صص ۵۹۵-۶۰۹.

۷. فولادی، محمد (۱۳۸۰)، «بررسی پدیده فرار مغزها، آثار و پیامدهای آن»، مجله معرفت، ش ۵۳، صص ۸۳-۹۳.

۸. مجله اقتصاد ایران، سال اول شماره ۱۸، مرداد ۱۳۷۸، صص ۲۸-۲۶.

۹. محبی، شهرام، (۱۳۸۰)، «بررسی پدیده فرار سرمایه (فیزیکی و انسانی)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

10. Barro R & X. Sala-i - Martin (1995), *Economic Growth*, Mc Grow-Hill Co.

11. W.J. Carrington & E. Detragiache, (1998), "How Big Is Brain Drain?", *IMF Working paper*, No 102, pp 15-16.

12. Carrington, W.J. & Detragiache, E. (1999) "How Extensive Is the Brain Drain?", *Finance and Development*, June 1999, Vol 36, No2.

13. Khadria, B. (1999), *The Migration of Knowledge Workers*, Sage Publication, Delhi.

14. Miyagiwa (1991), "Scale Economies In Education and the Brain Drain Problem", *International Economic Review*, Vol 32, No 3, pp 743-759.

15. Straubhaar, T. (2000), "International Mobility of the High Skilled: Brain Gain, Brain Drain or Brain Exchange", *Hwwwa discussion Paper*, No 88.

○ بر پایه آمارهای «بانک اطلاعات علمی» تا سال ۱۹۹۷ میلادی، مشخصات ۳۷۳۶۲ ایرانی با تحصیلات لیسانس و بالاتر در این مرکز ثبت شده است که از این میان ۲۹ درصد مدرک دکتری، ۳۳ درصد فوق لیسانس و ۴۸ درصد لیسانس داشته اند.